

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَجِئْتُكُمْ بِسُورَةٍ

دُرْدِ عَشَق

کامبیز شادلو



انتشارات نظری

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت

موضوع

موضوع

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی می

: شادلو، کامبیز / ۱۳۴۲

: دُرْدِ عشق / کامبیز شادلو

: تهران: انتشارات نظری ۱۳۹۶

: ۱۲۸ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.

: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۶۳۰-۸

: فیا

: کتابنامه به صورت زیرنویس

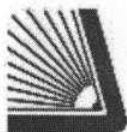
: حافظ، شمس‌الدین محمد، -۷۹۲ق نقد و تفسیر دیوان شعر فارسی - قرن ۸ ق.

: تاریخ و نقد - شرح

: ۱۳۹۶ ۲۵۴ ش / PIR۵۴۳۵

: ۸۶۱/۳۲

: ۴۶۴۶۲۸۶۰



انتشارات نظری

نام کتاب : دُرْدِ عشق

نویسنده : کامبیز شادلو

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۶

شمارگان : ۵۰۰

«کلیه حقوق مادی، چاپ و نشر مخصوص و محفوظ است. می‌باشد»

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولی‌عصر (عج)، خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی (پیرسف آباد)

نبش خیابان فتحی شقاقی، جنب بانک انصار، پلاک ۳۲، طبقه ۲، واحد ۱۷

info@nashrenazari.com

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

www.nashrenazari.com

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت : ۸۰۰۰۰ ریال

فهرست

عنوان.....	صفحه.....
نظری به خواجه رندان.....	۹.....
مقدمه.....	۱۱.....
نثر نیات حافظ.....	۱۷.....
حیات در طبیعت و هستی.....	۳۳.....
درد عشق.....	۵۵.....
در محضر استادان.....	۸۳.....
می ناب.....	۸۵.....
رهایی.....	۸۵.....
لب لعل.....	۸۵.....
فته دوست.....	۸۶.....
درد عشق.....	۸۶.....
یار کجا.....	۸۶.....
هجران در هجر.....	۸۷.....
۱- هرمنیوتیک هستی‌شناسی طولی بشر.....	۸۹.....

عنوان..... صفحه

الف: رویکرد غریزی محض..... ۹۰

ب: رویکرد معنوی و روحی محض..... ۹۱

پ: رویکرد مادی و علمی محض..... ۹۳

۲- بساط حیات..... ۹۸

۳- حقیقت و حجاب..... ۱۰۰

۴- قانون مندی های مدام و کمیت های جاری در کل هستی..... ۱۰۱

۵- هجران در هجر..... ۱۰۳

عرض حیات..... ۱۰۵

تکامل..... ۱۰۷

دیالکتیک و تضاد در هستی..... ۱۰۹

حق و صبر..... ۱۱۰

شرب مدام..... ۱۱۰

ذات نور..... ۱۱۱

اشراق..... ۱۱۲

عنوان..... صفحه

صدای انسان در انزوای شعر..... ۱۱۳

درد عشق..... ۱۱۴

حکایت ناتمام هستی..... ۱۱۷

خیالت، اندیشه و شعر و شعور انسانی..... ۱۱۹

۲- شکا - مجاز..... ۱۲۲

۳- عشق - عقاب..... ۱۲۴

۴- مجمع البحرین - جاردانگ..... ۱۲۵

۵- جوهر عرفان..... ۱۲۷

۶- خلوتگه خورشید..... ۱۲۷

بر این اندیشه بودم تا به دور از هرگونه تفسیر مشخص و تکه‌بندی که بارها و به کرات در لرب اندیشمندان و به طرق مختلفی صورت پذیرفته است با دیدی کاملاً جامع و چند فشرده به طرح حیات، شخصیت و بینش والای خواجه شمس الدین محمد شیرازی ملقب به حافظ و لسان الغیب پرداخته و با استمداد از بیان فکری و اندیشه خود او به طرح مطالب جدیدتر و قابل توجه‌تری که بعضاً تا به حال در کتب دیگری به صورت اساسی مطرح نگردیده است بپردازم.

این مهم خود حاصل رنجی توان‌فرسا و کنکاشی دقیق در اندیشه و شخصیت وی صورت پذیرفته که تماماً در دیوان بزرگوار او در قالب غزلیاتی نغز و پرمایه و غنی متجلی می‌باشد و متعاقباً پشت پرگازدن تجارب ارزنده عملی که میراثی ژرف و تکرارناپذیر به عنوان گنجینه‌ای در اختیار جوامع بشری و میراث ارزنده فرهنگی آنان می‌باشد تا

گوشه دیگری از ابعاد وجودی این شخصیت بزرگ بر همگان و مشتاقان وادی شعر و ادب و اندیشه و عرفان و فرهنگ بشری روشن گردیده و او را بهتر بشناسند.

سأله در خور توجه این که این اثر درصدد ارائه تعاریف مشخص و روشنی از غزلیات حافظ نمی باشد که خود فرصتی دیگر می طلبد و حوصله ای دیگر که این نیز نهایتاً کاری بی ثمر و بیهوده می باشد. چه، با توجه به پیچیدگی سبق و ژرف در اندیشه و شخصیت و روح بلند حافظ که تمامی هستی او را در خویش گنجانیده و همین سبب ایهام های گسترده و دیرپاب و کشف ناشدنی گردیده که بر سراسر غزلیات وی سایه ای عریض افکنده، مسلماً هر انسان مثلاً قریباً به فراخور فهم و درک خویش به اندازه وسع و بضاعت و توان فکری خویش، به برداشت ها و تعاریف مشخصی در این رابطه دست می یابد که تماماً در حای خود درست و قابل استناد می باشد. لیکن بر این اندیشه بودم تا به مطلب و عصاره اندیشه و افکار و شخصیت والای او را که به نظر خرد کامل و در خور توجه و تعمق می باشد هر چند کوچک تر از اندازه روح والا و بودانه او، مجمل و فشرده در معرض آگاهی و قضاوت عموم و اندیشمندان قرار دهم و تردیدی نیست که این نوشتار نیز چون هر اثر دیگری خالی از اشتباه و خلل نیست و در جهان نسبی که هیچ مطلق و وجود ندارد، هیچ ذهن، اندیشه و باوری در هر وضعیتی بی نیاز از نقد نمی باشد تا بتواند راه

خویش را با وقوف به نقاط ضعف خویش و به دور افکندن آن و نیز تقویت نقاط مثبت و قابل اتکا، در روند و بستری پرتضارب و سراسر تضاد در عرصه فرهنگ به طرف تکامل اندیشه هموار نموده و تجارب عمیق خویش را در اختیار جوامع بشری قرار دهد. اگر جز این باشد بهر صورت و در هر شکل استبداد اندیشه است.

آزادی و آزاداندیشی به مفهوم گسترده و پربار آن دقیقاً یعنی نفی هر گونه تحکیم استبداد در هر شکل، قالب، فرم و محتوی، ذات و ماهیت و بدین استبدادها اندیشه است و کدام اندیشمندی است که نداند تبعات بسیار نفی جبران ناپذیر چنین استبدادی بر روی انسان و حیات گسترده او در عرصه اجتماع و در طیفی وسیع تر و بزرگ تر تاریخ بشری، تا چه اندازه وسستناک و غیرقابل تصور است.

مسلمان و مطمئناً انسان ها و جوامع بشری نمی توانند بدون فضایی سرشار از تبادل افکار و فرهنگ و اندیشه در روزگار علمی و علمی راه خویش را به طرف تکامل و حیات و زیست بهتر و انسانی تر، هموار نموده و به کرامت ها و ارزش های والای انسانی دست یابند. فضاها و تماماً نویدبخش صلح، آزادی، سعادت، رفاه و عدالت و خرسبتی برای همگان با هر اندیشه و دید و نگرشی به حیات انسان می باشد چه در این راستا تنها فکر و اندیشه ناتوان و فرهنگ ضعیف است که قرنطینه ایجاد کرده و به دور خود حصاری محکم از جمود و تحجر می کشد که از مواجهه و رویارویی با امواج اجتناب ناپذیر اندیشه و فرهنگ بشری امتناع

نماید تا در برابر آن تسلیم و استحاله و هضم نگردد، و گرنه اندیشه و فرهنگی که ذاتاً و ماهیتاً از جوهرهٔ اصالت و ماندگاری برخوردار باشد و به بقا و جاودانگی خویش مطمئن، از حضور و طرح تمامی اندیشه‌ها و افکار و فرهنگ‌های متقابل و حتی مخالف نهایت استقبال را می‌نماید. چه کامل و بقای خویش را در همین مهم می‌داند تا از رشد روزافزون و شتابندهٔ کاروان بشری در تمامی ابعاد آن و همگامی و هم‌سویی با نظام خلقت که در گم‌نه‌رشد و تکاملی را در بطن خویش نهفته دارد، باز نمانده و دچار تضرع و ناامیدی نگردد.

چه او: هر روز و هر لحظه در حد و اندازه و مرتبه و شأنی است^۱

از عدم‌ها سوی هستی هر زمان	هسته یارب کاروان در کاروان ^۲
صورت از بی‌صورتی آید برون	در مد انا الیه راجعون ^۳
رنج و غم را حق پی آن آفرید	تا بدین خد خورش دلی آید پدید ^۴
پس به ضد نور، دانستی تو نور	ضد، ضد را می‌نماید در صدور ^۵
بار دیگر از ملک پران شوم	آن‌چه اندر و هم نابد آن شوم

۱ - سوره الرحمن - آیه ۲۹ (قرآن کریم)

۲ - دیوان مثنوی معنوی - مولانا - دفتر اول - بخش ۹۶

۳ - دیوان مثنوی معنوی - مولانا - دفتر اول - بخش ۶۲

۴ - دیوان مثنوی معنوی - مولانا - دفتر اول - بخش ۶۲

۵ - دیوان مثنوی معنوی - مولانا - دفتر اول - بخش ۶۲

پس عدم کردم چون ارغنون گویدم کانا الیه الراجعون^۱
 هرگونه نادیده انگاشتن سنت‌های جاری در آفرینش نهایتاً سد راه
 تکامل تاریخ بشری و حیات انسان‌ها است که طبیعتاً تبعات منفی و مضر
 آن به خود آدمی برگشته و شعله‌های برافروخته از آتش خشم شعور و
 جان مطلق در هستی و حیات، سامان آدمی را دربر گرفته و از اساس
 خاسته خواهد کرد. چه یا نباید تکامل را بپذیریم یا در صورت پذیرفتن
 نباید و نمی‌ایستد، آنرا محدود و متوقف شده بینگاریم.

به امید روشن شدن جوامع بشری به آن درجه از رشد فرهنگ و
 اندیشه که هرگونه افکار ماف و متقابل و حتی متضادی را برتائیده و
 در نهایت مدارا و تحمل غنی فرهنگی در فضایی سرشار از دوستی و
 روابط و مناسبات خوب و گستردهٔ انسانی، کاروان بشریت را در رسیدن
 به سرمنزل مقصود یاری نمایند.